

وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُوِيَ أَنَّ صَاحِبًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يُقَالُ لَهُ:  
 هَمَامٌ - كَانَ رَجُلًا عَابِدًا، فَقَالَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لِي الْمُتَّقِينَ حَتَّى كَأَنِّي  
 أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ، فَتَثَاقَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَوَابِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا هَمَامُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَحْسِنْ فَإِنَّ  
 اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ فَلَمْ يَقْنَعْ هَمَامٌ بِذَلِكَ الْقَوْلِ حَتَّى عَزَمَ  
 عَلَيْهِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، وَ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - ثُمَّ قَالَ:  
 أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ - حِينَ خَلَقَهُمْ - غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ،  
 مِنَّا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ، لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ، وَ لَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَتِهِ،  
 فَكَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَايِشَهُمْ، وَ وَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ، فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ  
 الْفَضَائِلِ: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ، وَ مَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ، وَ مَشِيهُمُ التَّوَاضُعُ. غَضُوا  
 أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، وَ وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ، نَزَلَتْ  
 أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَنِّي نَزَلْتُ فِي الرَّخَاءِ، وَ لَوْلَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ  
 لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ، وَ خَوْفًا مِنَ  
 الْعِقَابِ، عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ. فَهُمْ وَ الْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ  
 رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ، وَ هُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ. قُلُوبُهُمْ  
 مَحْزُونَةٌ، وَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ، وَ أَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ، وَ حَاجَاتُهُمْ خَفِيفَةٌ، وَ أَنْفُسُهُمْ  
 عَفِيفَةٌ، صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً، تِجَارَةٌ مُرْبِحَةٌ يَسِرَّهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ،  
 أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا، وَ أَسْرَتْهُمْ فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا. أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ  
 أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ، يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا، يَحْزَنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ، وَ يَسْتَشِيرُونَ بِهِ  
 دَوَاءَ دَائِهِمْ، فَإِذَا مَرُّوا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعًا، وَ تَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا

شَوْقًا، وَظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبُ أَعْيُنِهِمْ، وَإِذَا مَرُّوا بِأَيَّةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ، وَظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَشَهيقَهَا فِي أَصْوَلِ إِذَانِهِمْ فَهُمْ حَانُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ، مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَأَكْفُهُمْ وَرُكْبِهِمْ وَأَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ، يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ. وَأَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءِ أَبْرَارٍ أَتَقِيَاءُ، قَدْ بَرَاهُمُ الْخَوْفُ بَرَى الْقِدَاحِ، يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسِبُهُمْ مَرْضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ، وَ لَا يَقُولُ لَقَدْ خُولِطُوا وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ، لَا يَرْضُونَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ، وَلَا يَسْتَكْثِرُونَ الْكَثِيرَ، فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَهَمُونَ، وَمِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ، إِذَا زَكَّى أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ! فَيَقُولُ: أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي، وَرَبِّي أَعْلَمُ مِنِّي بِنَفْسِي. اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ، وَاجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ، وَاغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ.

فَمِنْ عِلْمِهِمْ: أَنَّكَ تَرَى لَهُ قُوَّةً فِي دِينِهِ، وَحِزْمًا فِي لِينِهِ، وَإِيمَانًا فِي يَقِينِهِ، وَحِرْصًا فِي عِلْمِهِ، وَعِلْمًا فِي حِلْمِهِ، وَقَصْدًا فِي غِنْيِهِ، وَخُشُوعًا فِي عِبَادَتِهِ، وَتَجَمُّلًا فِي فَاقَتِهِ، وَصَبْرًا فِي شِدَّتِهِ، وَطَلْبًا فِي حِلَالِهِ، وَنَشَاطًا فِي هُدًى، وَتَحَرُّجًا عَنِ طَمَعٍ، يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ، يُمَسِي وَهَمُّهُ الشُّكْرُ، وَ يُصْبِحُ وَهَمُّهُ الذِّكْرُ، يَبِيتُ حَذِرًا، وَيُصْبِحُ فَرِحًا: حَذِرًا لِمَا حُذِرَ مِنَ الْغَفْلَةِ، وَ فَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ، إِنَّ اسْتَصَعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَهُ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلَهَا فِيمَا تُحِبُّ، قُرَّةَ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ، وَزَهَادَتَهُ فِيمَا لَا يَبْقَى، يَمزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ، وَالْقَوْلَ بِالْعَمَلِ. تَرَاهُ قَرِيبًا أَمَلُهُ، قَلِيلًا زَلُّهُ، خَاشِعًا قَلْبُهُ، قَانِعَةً نَفْسُهُ،

مَنْزُورًا أَكَلَهُ، سَهْلًا أَمْرُهُ، حَرِيْرًا دِيْنُهُ، مِيْتَةً شَهْوَتُهُ، مَكْظُومًا غِيْظُهُ، الْخَيْرُ مِنْهُ  
 مَأْمُولٌ، وَالشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، إِنْ كَانَ فِي الْغَافِلِيْنَ كُتِبَ فِي الذَّاكِرِيْنَ، وَإِنْ كَانَ فِي  
 الذَّاكِرِيْنَ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ، يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيُعْطَى مِنْ حَرَمِهِ، وَيَصِلُ  
 مَنْ قَطَعَهُ، بَعِيدًا فَحْشُهُ، لِيْنَا قَوْلُهُ، غَائِبًا مُنْكَرُهُ، حَاضِرًا مَعْرُوفُهُ، مُقْبَلًا خَيْرُهُ، مُدْبِرًا  
 شَرُّهُ، فِي الزَّلَازِلِ وَقُورٍ، وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورٍ، وَفِي الرِّخَاءِ شَكُورٍ، لَا يَحِيْفُ  
 عَلَى مَنْ يَبْغِضُ، وَلَا يَأْتُمُّ فِيمَنْ يُحِبُّ، يَعْتَرِفُ بِالْحَقِّ قَبْلَ أَنْ يُشْهَدَ عَلَيْهِ، لَا  
 يُضَيِّعُ مَا اسْتُحْفِظَ، وَلَا يَنْسَى مَا ذُكِّرَ، وَلَا يُنَابِزُ بِالْأَلْقَابِ، وَلَا يُضَارُّ بِالْجَارِ، وَلَا  
 لَا يَشْمَتُ بِالْمَصَائِبِ، وَلَا يَدْخُلُ فِي الْبَاطِلِ، وَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْحَقِّ. إِنْ صَمَتَ لَمْ  
 يَغْمَهُ صَمْتُهُ، وَإِنْ ضَحِكَ لَمْ يَعْ لُ صَوْتُهُ، وَإِنْ بَغَى عَلَيْهِ صَبْرَ حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ  
 الَّذِي يَنْتَقِمُ لَهُ، نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ، أَتَعَبَ نَفْسَهُ لِاخْتِرَتِهِ، وَ  
 أَرَاخَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ، بَعْدَهُ عَمَّنْ تَبَاعَدَ عَنْهُ زُهْدٌ وَنَزَاهَةٌ، وَدُنُوهُ مِمَّنْ دَنَا مِنْهُ لِيْنٌ  
 وَرَحْمَةٌ. لَيْسَ تَبَاعُدُهُ بِكَبِيْرٍ وَعَظْمَةٌ، وَلَا دُنُوهُ بِمَكْرٍ وَخَدِيْعَةٌ. قَالَ: فَصَعِقَ هَمَامٌ  
 صَعَقَةً كَانَتْ نَفْسُهُ فِيهَا. فَقَالَ أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كُنْتُ  
 أَخَافُهَا عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا تَصْنَعُ الْمَوَاعِظُ الْبَالِغَةُ بِأَهْلِهَا؟ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: فَمَا  
 بِالْكَ يَا أَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَحْكَا! إِنْ لِكُلِّ أَجَلٍ وَقْتًا لَا يَعْدُوهُ، وَ  
 سَبِيًّا لَا يَتَجَاوِزُهُ، فَمَهْلًا لَا تَعُدُّ لِمِثْلِهَا، فَإِنَّمَا نَفَثَ الشَّيْطَانُ عَلَيَّ لِسَانِكَ!!

## به همام درباره پرهیزکاران

یکی از یاران پرهیزکار امام (ع) به نام همام گفت: ای امیرمؤمنان پرهیزکاران را برای من آن چنان توصیف کن گویا آنان را با چشم می‌نگرم. امام (ع) در پاسخ او درنگی کرد و فرمود: (ای همام! از خدا بترس و نیکوکار باش که خداوند با پرهیزکاران و نیکوکاران است) اما همام دست بردار نبود و اصرار ورزید، تا آنکه امام (ع) تصمیم گرفت صفات پرهیزکاران را بیان فرماید. پس خدا را سپاس و ثنا گفت، و بر پیامبرش درود فرستاد، و فرمود

### سیمای پرهیزکاران

پس از ستایش پروردگار! همانا خداوند سبحان پدیده‌ها را در حالی آفرید که از اطاعتشان بی‌نیاز، و از نافرمانی آنان در امان بود، زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زیانی می‌رسانند و نه اطاعت مومنان برای او سودی دارد، روزی بندگان را تقسیم، و هر کدام را در جایگاه خویش قرار داد، اما پرهیزکاران! در دنیا دارای فضیلت‌های برترند، سخنانشان راست، پوشش آنان میانه‌روی، و راه رفتنشان با تواضع و فروتنی است، چشمان خود را بر آنچه خدا حرام کرده می‌پوشانند، و گوشه‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند، و در روزگار سختی و گشایش حالشان یکسان است، و اگر نبود مرگی که خدا بر آنان مقدر فرمود، روح آنان حتی به اندازه برهم زدن چشم، در بدن‌ها قرار نمی‌گرفت، از شوق دیدار بهشت، و از ترس عذاب جهنم، خدا در جان‌شان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند.

بهشت برای آنان چنان است که گویی آن را دیده و در نعمتهای آن بسر می‌برند، و جهنم را چنان باور دارند که گویی آن را دیده و در عذابش گرفتارند دل‌های پرهیزکاران اندوهگین، و مردم از آزارشان در امان، تنهایشان فربه نبوده، و درخواستهایشان اندک، و عقیف و پاکدامند. در روزگار کوتاه دنیا صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند، تجارتی پرسود که پروردگارشان فراهم فرمود، دنیا می‌خواست آنها را بفریبد اما عزم دنیا نکردند، می‌خواست آنها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان، خود را آزاد ساختند.

#### شب پرهیزکاران

پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده مشغول نمازند، قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند، با قرآن جان خود را محزون و داروی درد خود را می‌یابند، وقتی به آیه‌ای برسند که تشویقی در آن است، با شوق و طمع بهشت به آن روی آورند، و با جان پرشوق در آن خیره شوند، و گمان می‌برند که نعمتهای بهشت در برابر دیدگانشان قرار داد و هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند، و گویا صدای برهم خوردن شعله‌های آتش، در گوششان طنین‌افکن است، پس قامت به شکل رکوع خم کرده، پیشانی و دست و پا بر خاک مالیده، و از خدا آزادی خود از آتش جهنم را می‌طلبند.

## روز پرهیزکاران

پرهیزکاران در روز، دانشمندانی بردبار، و نیکوکارانی باتقوا هستند که ترس الهی آنان را چونان تیر تراشیده لاغر کرده است، کسی که به آنها می‌نگرد می‌پندارد که بیمارند اما آنان را بیماری نیست، و می‌گوید، مردم در اشتباهند! در صورتیکه آشفتگی ظاهرشان از امری بزرگ است. از اعمال اندک خود خشنود نیستند، و اعمال زیاد خود را بسیار نمی‌شمارند، نفس خود را متهم می‌کنند، و از کردار خود ترسناکند، هرگاه یکی از آنان را بستانند، از آنچه در تعریف او گفته شد در هراس افتاده می‌گوید: من خود را از دیگران بهتر می‌شناسم و خدای من، مرا بهتر از من می‌شناسد، بار خدایا، مرا بر آنچه می‌گویند محاکمه نفرما، و بهتر از آن قرارم ده که می‌گویند، و گناهایی که نمی‌دانند پیامرز.

## نشانه‌های پرهیزکاران

و از نشانه‌های یکی از پرهیزکاران این است که او را اینگونه می‌بینی، در دینداری نیرومند، نرمخو و دوراندیش، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش، و با داشتن علم بردبار، و در توانگری میانه‌رو، در عبادت فروتن، و آراسته در تهیدستی، در سختی‌ها بردبار، در جستجوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان، پرهیزکننده از طمع‌ورزی، می‌باشد، اعمال نیکو انجام می‌دهد و ترسان است، روز را به شب می‌رساند با سپاسگزاری، و شب را به روز می‌آورد با یاد خدا، شب می‌خوابد اما ترسان، و برمی‌خیزد شادمان، ترس برای اینکه

دچار غفلت نشود، و شادمانی برای فضل و رحمتی که به او رسیده است. اگر نفس او در آنچه دشوار است فرمان نبرد، از آنچه دوست دارد محروم می‌کند، روشنی چشم پرهیزکار در چیزی قرار دارد که جاودانه است، و آنچه را ترک می‌کند که پایدار نیست، بردباری را با علم، و سخن را با عمل، درمی‌آمیزد پرهیزگار را می‌بینی که: آرزویش نزدیک، لغزشهایش اندک، قلبش فروتن، نفسش قانع، خوراکش کم، کارش آسان، دینش حفظ‌شده، شهوتش مرده، خشمش فرو خورده است. مردم به خیرش امیدوار، و از آزارش در امانند، اگر در بیخبران باشد نامش در گروه یادآوران خدا ثبت می‌گردد، و اگر در یادآوران باشد نامش در گروه بیخبران نوشته نمی‌شود، ستمکار خود را عفو می‌کند، به آنکه محرومش ساخته می‌بخشد، آن کس که با او بریده می‌پیوندد، از سخن زشت دور، و گفتارش نرم، بدیهای او پنهان و کار نیکش آشکار است. نیکی‌های او به همه رسیده، و آزار او به کسی نمی‌رسد. در سختی‌ها آرام، و در ناگواریها بردبار و در خوشیها سپاسگزار است، به آنکه دشمن دارد ستم نکند، و نسبت به آنکه دوست دارد به گناه آلوده نشود، پیش از آن که بر ضد او گواهی دهند به حق اعتراف می‌کند، و آنچه را به او سپرده‌اند ضایع نمی‌سازد، و آنچه را به او تذکر دادند فراموش نمی‌کند. مردم را با لقبهای زشت نمی‌خواند، همسایگان را آزار نمی‌رساند، در مصیبت‌های دیگران شاد نمی‌شود، و در کار ناروا دخالت نمی‌کند، و از محدوده حق خارج نمی‌شود، اگر خاموش است سکوت او اندوهگینش نمی‌کند، و اگر بخندد آواز خنده او بلند نمی‌شود، و اگر به او ستمی روا دارند صبر می‌کند تا خدا انتقام او را بگیرد. نفس او از دستش در زحمت، ولی مردم در آسایشند، برای قیامت خود را به زحمت می‌افکند، ولی مردم را به رفاه و

آسایش می‌رساند، دوری او از برخی مردم، از روی زهد و پارسایی، و نزدیک شدنش با بعضی دیگر از روی مهربانی و نرمی است، دوری او از تکبر و خودپسندی، و نزدیکی او از روی حيله و نیرنگ نیست، (سخن امام که به اینجا رسید، ناگهان همام ناله‌ای زد و جان داد. امام (ع) فرمود: سوگند بخدا من از این پیش‌آمد بر همام می‌ترسیدم، سپس گفت: آیا پندهای رسا با آنان که پذیرنده آنند چنین می‌کند؟ شخصی رسید و گفت: چرا با تو چنین نکرد؟ امام (ع) پاسخ داد: وای بر تو، هر اجلی وقت معینی دارد که از آن پیش نیافتد و سبب مشخصی دارد که از آن تجاوز نکند، آرام باش و دیگر چنین سخنانی مگو، که شیطان آن را بر زبانت رانده است. ■